



زنان در منشور حقوق شهروندی

یکی از مؤلفه‌های کلان عرصه توسعه، تحکیم و ترویج شهروندی و حقوق ناظر بر آن تمهید بسترهای حقوقی و حقیقی لازم برای بهره‌مندی عادلانه اعضای جامعه از منافع، مزایا و ...



شهر بانو

۴ صفحه ویژه بانوان مشهد
۲ نوامبر ۲۰۲۰ | ۱۶ ربیع الاول ۱۴۴۲
شماره ۳۳۹ روزنامه شهرآر
۲شنبه



نامزدی زنان در انتخابات سیزدهم

۱۲ دوره از انتخابات یکی از مهم‌ترین مناصب سیاسی در ایران می‌گذرد و تاکنون هیچ زنی نتوانسته است به عرصه این رقابت پاگذارد. اکنون در آستانه سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری، سخن از نامزدی زنان و پذیرش حضور آنان به عنوان رئیس‌جمهور آینده...

زیستن در مرز باریک کار و زندگی

گفت‌وگو با منصوره کریمی، نخستین بانوی اکسسوری خودرو ایران و برنده مسابقه «میدون» که کارش را از زیرپله‌های خانه‌اش در مشهد شروع کرد



شاید هنوز هم حرف نمی‌زند

خیلی از معلم‌هایم را دوست داشتم و خیلی‌هایشان را نه. خیلی دلم می‌خواست هم معلم شوم و هم نه. نمی‌دانم چطور آموزگاری از کار درمی‌آدم اما حتم دارم شبیه هیچ‌کدام از معلم‌هایم نمی‌شدم. تا وسط زنگ، دل و روده آن چیزی را که توی کتاب نوشته بود درمی‌آورد و می‌ریختم روی تخته و زود سر و تهش را هم می‌آورد، همه آن فرمول‌ها و نظریه‌ها و تئوری‌هایی که فقط تا وسط ۳ ماه تابستان یاد بچه‌هایم می‌ماند و نمی‌توانست دردی از آن‌ها دوا کند. بعد می‌گفتم: کتاب‌ها بسته، حواس‌ها جمع. گج را برمی‌داشتم و روی تخته سیاه یک کلمه می‌نوشت و می‌گفتم: خب دخترها، درباره این کلمه حرف بزنیم. هرچی توستوتونه بریزید روی دایره. اول از همه می‌گفتم مرجان حرف بزند که دختر پرور و رکی بود و دهن که باز می‌کرد، ترس خیلی‌ها از حرف زدن می‌ریخت. همین‌طور می‌رفتم جلو تا برسم به مهدیه که از فرط بی‌حرفی، صدایش هیچ‌وقت توی یادم نمی‌ماند. من یک عالمه کلمه داشتم که می‌توانستم تا دوران بازنستگی‌ام بدون آنکه به تکرار برسد روی تخته برای بچه‌هایم بنویسم: تنهایی، رابطه، قهر، قرار، دلگرمی، دوست‌داشتن، بخشیدن، سفر، خون‌ریزی، انتخاب، شادی، کنترل، خیانت، مقدس، خودخواهی، لب، آگاهی، سعدی، انکار، ناکامی، لذت، خانه، رئیس‌جمهور، پاکیزه، اضطراب، دولت، پرهیزگاری، رفیق، دیکتاتور، آلوده، مترسک، حجره، استخر، پاپوش، الکل، سیلی، آینه، تروریسم، نقاب، گیسو، انتخابات، مادر، وسوسه، مملکت، طلوع، بیهوش، جمعه و بی‌نهایت کلمه دیگر. خیلی از معلم‌هایم را دوست داشتم، خیلی‌هایشان را نه. در هر صورت،

اینستاگرام مارکتینگ و زنانی که محتوا تولید می‌کنند



در سلسله یادداشت‌هایی که در این بخش داریم به فعالیت‌های زنان در اینستاگرام اشاره کردیم. در این یادداشت می‌خواهیم به اینستاگرام مارکتینگ و شیوه‌های کسب درآمد زنان از طریق اینستاگرام بپردازیم. اینستاگرام مارکتینگ نوعی فعالیت بازاریابی عکس‌های شخصی و خانوادگی نیست. اینستاگرام با امکاناتی مثل پست، استوری، هشتگ، تبلیغات و ویدئوهای زنده توانسته است بستری قوی برای تجارت آنلاین می‌شود. برای نمونه، این روش‌ها شامل تبلیغ در اینستاگرام به روش‌های متفاوتی اجرا از فروش محصولات، مدیریت صفحه برندهای معروف، معرفی یا فروش محصولات اینستاگرام، در این یادداشت به روش تولید محتوا می‌پردازیم که زنان زیادی نیز از این طریق در اینستاگرام مشغول کسب و کارند.

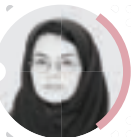
(یادداشت)
دکتر زهرا زکاتانی
پژوهشگر مطالعات رسانه‌ای زنان

می‌توان گفت تولیدکنندگان محتوا در اینستاگرام هم به مخاطبان آگاهی و دانش می‌دهند و هم از این طریق درآمد کسب می‌کنند. اما زنان تولیدکننده محتوا اغلب در اینستاگرام در چه حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند و به آگاهی‌بخشی و اطلاعات‌دهی در چه حوزه‌هایی مشغول‌اند؟ برخی از پرطرفدارترین تولیدکنندگان محتوا در حوزه‌های روان‌شناسی و مهارت‌های زندگی فعالیت می‌کنند. این صفحات از طریق یادکست یا پست، نکات روان‌شناختی‌ای را که اغلب با به صورت روزمره به آن‌ها نیاز داریم در اختیار می‌گذارند. این نکات که اغلب با نوعی مثبت‌اندیشی و انرژی‌های خوب همراه است، می‌تواند برای مخاطبان اینستاگرام بسیار جذاب و مفید باشد و به آن‌ها کمک کند حس بهتری به زندگی داشته باشند یا راه حل مسائل و مشکلات خود را در آن بیابند. این صفحات علاوه بر تولید محتوا از طریق گفت‌وگوهای زنده، از روان‌شناسان و متخصصان نیز دعوت می‌کنند و به مسائل و سؤالات مخاطبان می‌پردازند. برخی تولیدکنندگان محتوا کسانی هستند که شیوه‌های بهتر زیستن حوزه تخصصی صفحات آن‌هاست. بهتر زیستن به معنای شیوه‌ای از زندگی است که آسیب کمتری به خودمان، دیگران و محیط زیست می‌زند. لذا زنان طرف‌دار

محیط زیست یکی از این گروه‌ها هستند. آن‌ها دوستدار محیط زیست بودن را در زندگی روزمره به ما یاد می‌دهند. برای نمونه، «اسبک زندگی بدون پلاستیک» یا «پسماند صفر» از این دسته است. این روش‌های زندگی به ما می‌گوید چطور مصرف پلاستیک و سایر ضایعاتی را که به محیط زیست آسیب می‌زند در زندگی‌مان مدیریت کنیم و کاهش دهیم. برخی دیگر از صفحات در راستای «زندگی مینیمال» تولید محتوا می‌کنند. زندگی مینیمال در مقابل زندگی تجملاتی و سبک زندگی‌ها که هفته‌های گذشته درباره آن‌ها نوشتیم قرار دارند. زندگی مینیمال بر مؤلفه‌های زندگی ساده و به دور مصرف زیاد را به مخاطبان آموزش می‌دهد. اینکه چگونه با وسایل محدود زندگی ساده، نیازهای خود را پیش ببریم و از این طریق آرامش ذهنی و تمرکز تولید محتوا از طریق گفت‌وگوهای زنده، دست بیآوریم. زنانی نیز در اینستاگرام به فرهنگ‌سازی برای کتاب‌خوانی به عنوان ابزاری که زندگی ما را بهبود می‌دهد می‌پردازند. این صفحات کتاب‌های خوب را معرفی می‌کنند، دوره‌های کتاب‌خوانی دسته‌جمعی می‌گذارند و از متخصصان و نویسندگان دعوت می‌کنند درباره کتاب‌های خوب صحبت کنند.

فرصت تریلیون دلاری حمایت از زنان کارآفرین

این روزها بحث‌های فراوانی درباره چگونگی حمایت از زنان کارآفرین جریان دارد. با اینکه عمده کسب و کارهایی که زنان عهده‌دار آن‌ها بوده‌اند اغلب شروع قدرتمندی داشته‌اند، اکنون نقای بسیاری از آن‌ها با خطر روبه‌رو شده است. پژوهش اخیر «گروه مشاوره بوستون» (BCG) نشان می‌دهد اگر زنان و مردان سراسر جهان به میزان برابری در حوزه کارآفرینی مشارکت کنند، میزان تولید ناخالص داخلی (GDP) در جهان می‌تواند تا سقف ۳ تا ۶ درصد افزایش پیدا کند و اقتصاد جهان را تا ۵/۵ الی ۵ تریلیون دلار متحول کند. با بررسی داده‌های «دیده‌بان جهانی کارآفرینی» (GEM) در بازه سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ و تفسیر نرخ پایداری کسب و کارها بر اساس جنسیت در ۱۰۰ کشور دنیا، درک شکاف موجود در میان کارآفرینان زن و مرد آسان‌تر می‌شود. برای نمونه، در سراسر دنیا، درصد مردانی که در سن اشتغال قرار دارند و کسب و کار جدیدی را راه‌اندازی می‌کنند از زنان همتای خود فراتر می‌رود یا در همه مناطق دنیا به جز آمریکای شمالی، کسب و کارهایی که زنان مدیریت می‌کنند پایداری کمتری در مقایسه با کسب و کارهای مردان دارند. بنابراین چطور می‌توانیم از کارآفرینی زنان پشتیبانی کنیم؟ اغلب در مواجهه با چنین سؤالی ۲ عامل دسترسی زنان به «سرمایه‌های مالی» و «ارائه آموزش» به آنان برای کسب مهارت‌های جدید (حوزه‌هایی است) مدنظر قرار می‌گیرند. با وجود این، یکی از فاکتورهای کلیدی موفقیت، که به توجه بیشتری نیازمند است، دسترسی به سرمایه اجتماعی یا «شبکه‌های ارتباطی» است. مشاهدات دست‌اول از کار با مشتری‌های بخش دولتی و خصوصی در سراسر دنیا نشان داده است که این شبکه‌های ارتباطی تا چه میزان قدرتمند





برای جلوگیری از بحران انزوا گفت‌وگورا در خانواده تقویت کنیم

انسان مدرن انسانی تنهاست. در هیاهوی زندگی سریع و ارتباطات گسترده، گاهی خودش را غرق شده می‌بیند. حجم وسیع دغدغه‌های ذهنی و مشغولیت‌های زمانی برای تأمین معاش و عقب‌نماندن از تغییرات شتابنده سبک زندگی کنونی زندگی امروز را به زندگی شلوغ و سرشار از فشارهای روانی و اضطراب‌های ذهنی و اجتماعی تبدیل کرده است. انسان‌ها مجبورند برای تأمین بقای خود بیش از گذشته تلاش کنند. از سوی دیگر، فناوری به نوعی زندگی فردی و جمعی آنان را تسخیر کرده است.



دکتر مهتاب‌علی‌نژاد
جمله‌شناس

+ روابط گسترده،سطحی‌وسودنگارانه پیشرفت فناوری در کنار فواید متعدد مانندافزایش رفاه، جنبه‌های تاریک و آسیب‌زایی نیز به همراه داشته است این روزها آدم‌ها اغلب به طور فیزیکی در کنار یکدیگرند اما ذهن آنان در فضاهای مجازی و ارتباطات گسترده در گیر است. اگر در گذشته‌ای نه‌چندان دور انسان‌ها روابطی صمیمانه، عمیق و محدود داشتند، امروزه دارای روابط گسترده، سطحی و سودانگارانه هستند. ارتباطات امروزه به کلافی سردرگم می‌ماند. افراد به دلایلی متعددی نظیر حفظ موقعیت شغلی یا حتی تولید شغل، سرگرمی و رفع خستگی، کسب اطلاعات و افزایش دانش، مرتب خود را به فضاهای ارتباطی گره می‌زنند. انسان‌ها در فرایند حضور فعال در فضاهای مجازی، سبک ارتباطی خود را حتی در روابط بین فردی

افراد خانواده تبادل افکار داشته باشد امروزه بدون بازگشت مشتاقانه به منزل هم می‌تواند از هر نقطه‌ای که در آن حضور دارد با خانواده ارتباط برقرار کند با این تفاوت که مشغله‌های فکری و کاری در زندگی کنونی به اندازه‌ای افزایش یافته که فرصت گفت‌وگو اندک شده است و درمورد بسیاری اهمیت گفت‌وگو در هیاهوی تأمین بقا و ایجاد راه‌گم می‌شود. افراد جامعه‌می‌آموزند باتوجه‌بهشرایط‌متفاوت‌زیستی واجتماعی چگونه تغییر کنند اما این یک بخش ماجرای زیستن است؛ بخش حفظ بقا و زنده ماندن. این نوع مهارت تغییر مطابق شرایط اگرچه زنده بودن را سبب می‌شود، نمی‌تواند برای زندگی کردن هم تضمین بدهد. در جامعه‌در حال گذار به سوی توسعه‌یافتگی و حتی در برخی موارد در جامعه‌مدرن، انسان‌ها زنده می‌مانند اما از زندگی کردن بازمی‌مانند. برای زندگی کردن، آنان نیازمندند که به تبادل افکار از طریق گفت‌وگو بپردازند تا بتوانند معناسازی، و بر اساس معناها هدف‌وانگیزه تولید کنند. باید بیاموزند چگونه، چرا، چه موقع و باچه کسانی تعامل برقرار کنند و چگونه از حجم اضطراب‌های متعدد با کمترین آسیب خارج شوند.

+ مادران باید گفت‌وگورا بیاموزند پایه و اساس مهارت گفت‌وگو در کودکی و از خانواده آغاز می‌شود. از تعامل مادر و کودک و در گام‌بعدی پدر و همه اعضای خانواده. آدم‌ها اگر از مهارت گفت‌وگو بی‌بهره بمانند در درک گسترده و عمیق از زیست اجتماعی دچار چالش می‌شوند. در تولید معنا موفق عمل نمی‌کنندو موفق‌به‌برقراری تعامل نمی‌شوند. این مهارت پذیرش‌گیری اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود، از فردی به نام مادر، و از دوران جنینی تا پایان نوجوانی، یعنی نوزده‌سالگی، ادامه می‌یابد. فرزندان یک خانواده که همان نسل بزرگ‌سال جامعه‌را تشکیل خواهند داد چه‌درون‌گرا باشند و چه‌برون‌گرا برای زندگی سالم و موفق در جامعه با مخاطرات متعددش نیازمند آموزش دیدن برای برقراری ارتباط هستند، نیازمند بهره‌گیری صحیح و مناسب از زبان. انسان‌ها در گفتن و شنیدن است که می‌توانند خود و محیط پیرامون خود را کشف و ارزیابی کنند، چه این کشف و ارزیابی در محیط مجازی انجام پذیرد چه در محیط واقعی، بدون آزمون و خطا میسر نمی‌شود. مادران هستند که به فرزندان خود می‌آموزند که میان یک موجود اجتماعی بودن

و یک موجود منزوی بودن کدام یک را انتخاب کنند. اگرچه ساختار اجتماعی و شرایط فرهنگی در چگونگی انتقال آموزش توسط مادران از نقش بسزایی برخوردار است، کلید تلاشی چگونگی ارتباط‌گیری و تعامل نزد مادران است به این دلیل که اولین و نزدیک‌ترین فرد بزرگ‌سالی هستند که در زندگی هر فرد اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. اگر مادران توانایی برقراری ارتباط از طریق گفت‌وگورا به‌طور صحیح آموخته و تدبیر داشته باشند، فرایند انتقال معنا در تجربه گفت‌وگوهای بین فردی با کمترین آسیب اجتماعی شکل می‌گیرد اما آیا این ایده‌آل پرورشی در جامعه ما امکان واقعیت یافتن داشته است؟

+ نهادهای اجتماعی از مادران حمایت‌همدلاانه کنند دختران از این جهت که مادران آینده و اولین‌های مهم نسل پس از خود هستند بیش از پسران می‌کوشند که وارد فضاهای گفت‌وگویی شوند و تدبیر امور درونی خانواده را بیاموزند. می‌توان گفت امروزه جنسیت به‌طور اجتماعی نقش کم‌رنگ‌تری در مقایسه با گذشته دارد. به‌علاوه، از جنبه انسان‌گرایی دختر و پسر هر دو باید از فضای تعامل سالم در خانواده برخوردار باشند تا بتوانند در بزرگ‌سالی چرخه انتقال مهارت زیستن به فرزندان نسل بعدی را حفظ کنند. این در حالی است که نمی‌شود بر جنبه زیستی ارتباط عاطفی و نزدیک مادران چشم‌پوشید زیرا فرزندان یا به عبارتی نسل آینده را در بدن خود حفظ می‌کنند و به ثمر می‌رسانند. لزوم اجرایی کردن تمهیداتی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی که ناشی از عدم تعامل و جایگزینی انزوا و اجتماعی بودن است بر عهده نهادهای اجتماعی است که مادران را حمایت آموزشی و همدلانه کنند. اگرچه در جامعه ایران به دلیل بافت فرهنگی سنتی که بر روابط بین‌فردی غالب است گفت‌وگو هنوز هم محور استواری روابط درون خانواده است، نیازمند سیاست‌گذاری‌های عمومی در جهت آموزش مهارت تعامل مطابق با سبک زندگی تغییر یافته از سنتی به سوی مدرن امروز در جامعه ایران است. گفت‌وگو در تعامل ایرانی امروزه با چالش افزایش شکاف نسلی ناشی از تغییر سبک زندگی روبه‌روست و به مفهومی تبدیل شده است که بیش از گذشته نیازمند کسب مهارت برای ورود به گفت‌وگوی سالم و تعامل مؤثر است.

را می‌بینید که خیلی شیرین به تصویر کشیده شده است، درباره آدم‌های ساده دوروبرمان! تفاوت نویسنده این داستان‌ها با ما این است که خیلی دقیق‌تر به آدم‌های دور و برش نگاه و آن‌ها را توصیف کرده است، با همه ویژگی‌های ساده انسانی‌شان و با قلمی طنازانه! اگرچه هرکدام از این قصه‌ها می‌تواند طولانی‌تر باشد، انگار نویسنده به‌عمد تلاش کرده تنها ناخنکی به بخشی از زندگی آدم‌ها بزند. آدم‌هایی که در گذشته او وجود داشته‌اند. اما نکته جالب کتاب این است که او از رویدادهای ساده، روابط معمولی

و همیشگی و زندگی روزمره دریافت‌های عمیقی برای فهم جهان و رابطه‌ها ارائه می‌دهد. اگر بیشتر به داستان‌های کوتاه او دقیق شوید، نمادگرایی عمدی نویسنده را درمی‌یابید. او به واسطه اتفاقات ساده مثل کندن پوست روییده کنار ناخن و درد عمیق و خون‌ریزی عجیب ناشی از کندن آن، رابطه‌ای دردناک را به تصویر می‌کشد که خیلی ساده هم اتفاق می‌افتد. این کتاب کوچک را در کیفتان داشته باشید و هر زمان فکر کردید حوصله خواندن متنی عمیق و متفکرانه را ندارید، یکی از

الهام یوسفی
نعلال فرهنگی



شهرزاد

خردمروایت‌های تلخ و شیرین

حوصله ندارید کتابی قطور بخوانید اما دلتان می‌کشد کتابی هم دست بگیرید، دست کم داستان، نه داستانی که فقط سرگرم‌تان کند. دوست دارید داستان برای شما مفید هم باشد. یعنی همان مختصر زمان را هم به بیهوده نگذرانده باشید. در عین حال، حوصله کتابی طولانی و حوصله‌سریز را هم ندارید. در یک جمله، می‌خواهید کتاب هم جذاب باشد هم مختصر هم مفید! راستش پیدا کردن داستانی با این ویژگی‌ها به‌واقع کار سختی است، داستانی که به تمرکز زیاد نیاز نداشته باشد و بشود آن را در موقعیت‌هایی مثل اتوبوس و مترو و مطب و در حال انتظار خواند و دمی از رنج زمانه فارغ شد، داستانی یک یا دوصفحه‌ای که ارتباطی هم با زندگی روزمره شما داشته باشد و بتوانید با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کنید. از قضا داستانی که امروز می‌خواهیم برای شما معرفی کنیم این ویژگی‌ها را دارد: مختصر، مفید و جذاب! اگرچه نویسنده این داستان‌ها را بیشتر به عنوان مجری یا مترجم می‌شناسید: خانم مهسا ملک‌مرزبان که پیش‌تر آثاری از نویسنده‌های مختلف را ترجمه کرده است. مجموعه داستان کوتاه این نویسنده با عنوان جالب «خرده‌جنایت‌های بی‌زن‌وشوهری» چند سال پیش توسط نشر بان منتشر شده است. ویژگی اساسی این داستان‌ها یا -به بیان دقیق‌تر- خرده‌روایت‌ها گذشته‌نگری لذت‌بخش آن است. در هر یک از این داستان‌های بسیار کوتاه، بخشی از گذشته

ایراندخت

روایت‌هایی از
مسجد «پیرزن»



غلامرضا آذری خاکستر
گروه‌ساز و پژوهش‌فراغ



مسجد پیرزن در حافظه جمعی قدیمی‌های شهر مشهد با داستان و روایت‌هایی همراه بوده است. این شفا‌هیات به‌مرور کم‌رنگ و فقط در برخی آثار مکتوب نیم قرن اخیر ردی از آن‌ها باقی مانده است. هر چند منشأ روایت‌های شفا‌هی به‌طور دقیق مشخص نیست، گذر زمان و دگرگونی در بافت مهم‌ترین عامل فراموشی آن‌ها محسوب می‌شوند.

مرحوم محمد احتشام کاویانیان در اثر مشهورش، «شمس‌الشموس» یا «انبس‌النفوس»، با اشاره به مسجد پیرزن نوشته است: قبل‌تر در وسط مسجد گوهرشاد فضای مربعی سکوماندی بود که دور خود درگاه‌هایی با میله و سرانداز مربع سنگی طویل داشت. با حصر مفروش، و به مسجد پیرزن مشهور بود تا اینکه متولی مسجد گوهرشاد تصمیم گرفت در محل مسجد پیرزن حوض آبی بسازد. همین که شروع به خاک‌برداری شد، عده‌ای بر اساس قصه‌های افوا‌هی جار و جنجال راه انداختند و مخالف ساختمان حوض بودند. ضمن خاک‌برداری، آثار حوض قدیمی از زیر خاک نمایان شد. مشخص شد بر اثر زلزله حوض شکسته و آثار آن زیر خاک باقی مانده است.

اما نویسنده «مسجد و موقوفات گوهرشاد» ضمن پرداختن به روایت تاریخی مسجد پیرزن زمینه‌های تاریخی آن را چنین بیان کرده است: گوهرشاد هنگام خرید زمین برای احداث مسجد به زمین پیرزنی در آن محدوده بسر می‌خورد که زال راضی به فروش آن نمی‌شود. وی به جای اصرار و اجبار، قطعه زمین را در میانه مسجد باقی می‌گذارد که بعدها به مسجد پیرزن یا بیوزن شهرت می‌یابد. در این میان، روایت دیگری هم وجود دارد و حکایت از آن دارد که در سال ۱۰۸۴ قمری زال‌های شدید در مشهد باعث خسارت و خرابی به مسجد گوهرشاد می‌شود. زال بیک اقدام به تعمیر اساسی این بنا می‌کند و در کتیبه‌ای این واقعه را ثبت کرده است. وی پس از تعمیر و مرمت مسجد در وسط صحن ستون‌های سنگی ساخته و به نام خود، زال بیک یا پیرزال، نامید. بعدها به مرور زمان، نام «زال» به «زن» تبدیل شد.

در مجموع نمی‌توان به اصل موضوع نگاه تردیدآمیزی داشت زیرا روایات افوا‌هی (خبری که صدق و کذب آن معلوم نیست) در لحظه به وجود نیامده‌اند. این دسته‌از شفا‌هیات سال‌های متمادی توسط نسل‌های مختلف حفظ شده‌اند ولی آنچه حائز اهمیت است در جریان تاریخ با از بین رفتن اصل بنا شاهد فراموشی این گونه روایت‌ها هستیم.

مسجد پیرزن تا اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی هم‌چنان وجود داشت. در سال‌های بعد، ستون‌های سنگی برجیده و نام مسجد پیرزن هم به مرور فراموش می‌شود، مهندس رضا دیشیدی، از معماران هنرهای اسلامی، درباره مسجد پیرزن معتقد است: آنجا مسجد نبوده و حوض آب بوده است. پیرزن ضعیف‌ترین موجود بشری است. کسی به او نگاه نمی‌کند و پناهی ندارد. این داستان پیرزن در ایوان مداین، شنب‌غازان و مسجد شاه اصفهان نیز به شکلی وجود دارد. این داستان می‌خواهد به من معمار یادآوری کند وقتی می‌خواهم ساختمان سازمان حق ندارم در راستای ساخت چنین بنا‌های با عظمت، ظلم کنم، حتی به ضعیف‌ترین موجود بشری که پیرزن باشد. این جزو اخلاق معماری است. اینجا همان داستان تکرار می‌شود.

امروزه جنسیت‌به‌طور اجتماعی نقش کم‌رنگ‌تری در مقایسه با گذشته دارد. به‌علاوه، از جنبه انسان‌گرایی دختر و پسر هر دو باید از فضای تعامل سالم در خانواده برخوردار باشند تا بتوانند در بزرگ‌سالی چرخه انتقال مهارت زیستن به فرزندان نسل بعدی را حفظ کنند. این در حالی است که نمی‌شود بر جنبه زیستی ارتباط عاطفی و نزدیک مادران چشم‌پوشید زیرا فرزندان یا به عبارتی نسل آینده را در بدن خود حفظ می‌کنندو به ثمر می‌رسانند

+

(۴)



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۳۹۹ آبان
۱۶ رجب‌الاول ۱۴۴۱ شماره ۳۳۹

حضور پررنگ زنان در دانشگاه‌ها

طبق آمار منتشر شده از طرف سازمان سنجش در سال ۱۳۹۹ زنان با ۱۰۱ هزار و ۹۱۲ نفر، به عبارتی ۵۳/۶ درصد، بیشترین قبولی رشته‌های کنکور را داشته‌اند. مردان نیز ۸۸ هزار و ۳۶ نفر، یعنی ۴۶/۴ درصد آمار، را به خود اختصاص داده‌اند.

